



In the name of God

اهداف آینده پژوهی

اهداف آینده پژوهی

کلی ترین و والاترین هدف آینده پژوهی، حفظ و ارتقای سطح رفاه بشر و ظرفیت های تداوم بخش زندگی او بر روی کره زمین است.

بنابراین در کلی ترین سطح، هدف آینده پژوهان تلاش برای تبدیل جهان، به مکانی بهتر برای زندگی، سودرسانی به مردم و حفظ و گسترش آن دسته از ظرفیت های کره زمین است که به پایداری حیات در آن کمک می کنند.

این هدف در حقیقت همان نقش برجسته ای است که آینده پژوهان برای تفکر آینده نگر توصیف کرده اند.

اهداف آینده پژوهی

در سطوح پایینتر، اهداف آینده پژوهی را می توان به اختصار، کشف یا ابداع، بررسی، ارزیابی و پیشنهاد آینده های ممکن، محتمل و مرجح دانست.

آینده پژوهان می خواهند بدانند که کدام پدیده ها امکان پذیر هستند(آینده های ممکن)، احتمال بروز کدام پدیده ها بیشتر است(آینده های محتمل) و کدام پدیده ها باید روی دهند(آینده های مرجح).

انواع آینده‌ها

آینده‌های ممکن: از دید آینده‌پژوهان، آینده‌های ممکن ناظر به پدیده‌هایی هستند که امکان وقوع دارند. البته این امکان‌پذیری، پدیده‌های مستعد را در بر می‌گیرد. رویدادهایی که از استعداد لازم برای رخ دادن برخوردار باشند.

انواع آینده‌ها

آینده‌های محتمل: هدف از بررسی آینده‌های محتمل، یافتن پاسخی برای این پرسش است که در یک بازه زمانی معین و با توجه به مقتضیاتی ویژه، محتمل‌ترین آینده برای پدیده‌ای خاص چه خواهد بود؟ به عبارت دیگر اگر اوضاع به همین منوال ادامه یابد، محتمل‌ترین آینده برای پدیده‌ای خاص چه خواهد بود؟

انواع آینده‌ها

آینده‌های مرجح: آینده‌های مرجح دربردارنده‌ی رویدادهایی هستند که باید رخ دهند. آینده‌های مرجح بر اساس ارزش‌های جامعه و علاقه‌مندی‌ها و خواسته‌های مردم تعیین می‌شوند. آینده‌پژوهان برای سنجش میزان مطلوبیت آینده‌های بدیل، باید اهداف و ارزش‌های بشری را مطالعه و ارزیابی و از آن‌ها استفاده کنند. آینده‌پژوهان باید به درک ماهیت جامعه مطلوب و نیز به معیارهای قضاوت و ارزیابی خود، توجه ویژه‌ای داشته باشند.

انواع آینده‌ها

ورس (voros,2003) چهار نوع آینده را ارائه می دهد:

۱- **آینده های ممکن: (Possible Futures)** تمامی حالات شدنی که استعداد تحقق در آینده را دارند و به عبارتی روشن تر، محال ذاتی نبوده و امکان پذیر هستند.

۲- **آینده های باور پذیر: (Plausible Futures)** همان آینده هایی هستند که بر پایه ی دانش و خرد بشر، باور کردنی و پذیرفتنی هستند.

تفاوت بنیادین آینده های باور پذیر و آینده های ممکن از آنجا سرچشمه می گیرند که آینده های ممکن می توانند با بنیان ها و دانش کنونی بشر سازگار و همخوان نباشد. برای مثال، بر پایه ی همین باور، تصور آینده ای که در چارچوب آن انسان مانند ماهی زیر آب زندگی کند، می تواند آینده ای ممکن باشد اما آینده ای باور پذیر نیست. آینده پژوهان بر همین قیاس، آینده های باور پذیر را زیر مجموعه ی آینده های ممکن می دانند.

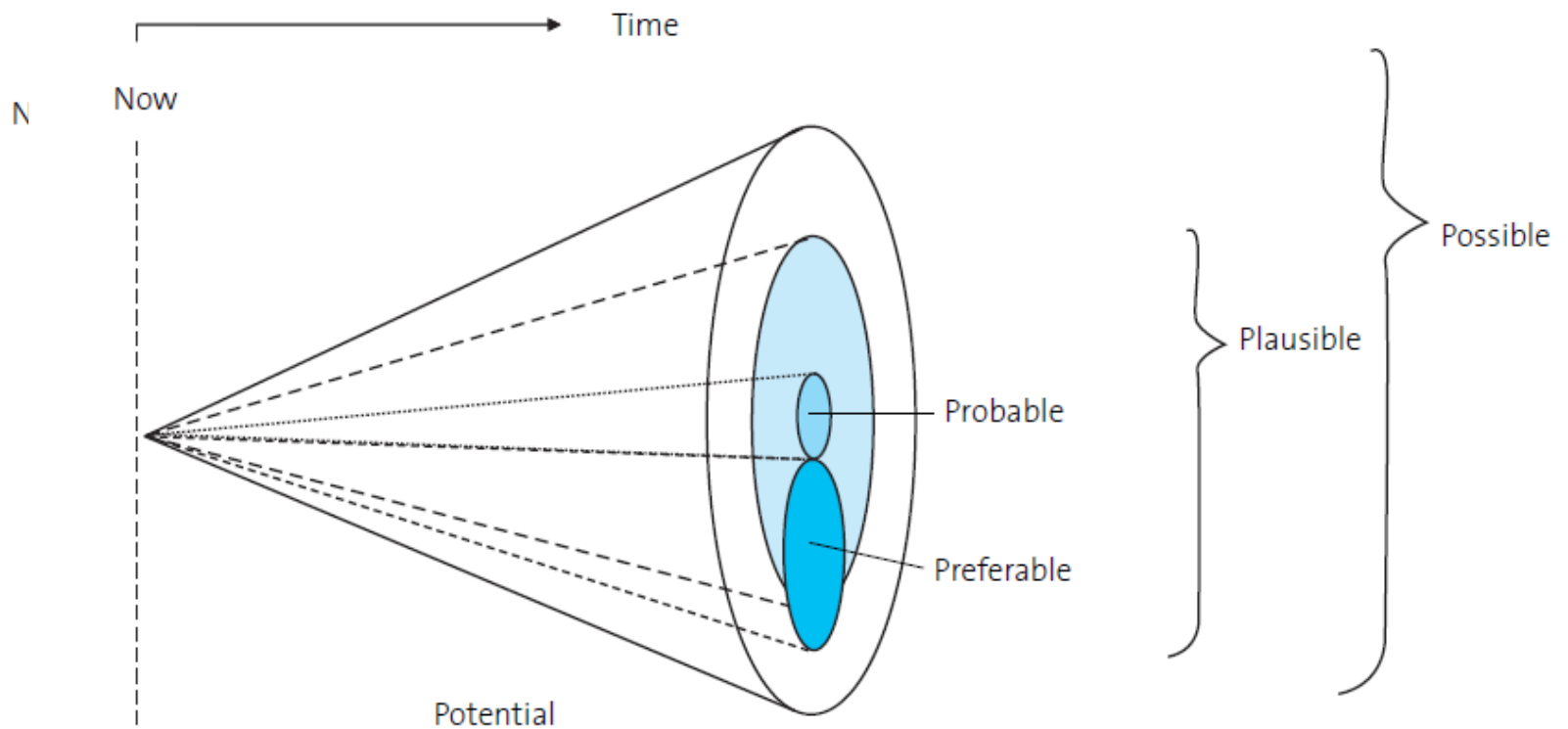
انواع آینده‌ها

ورس (voros, 2003) چهار نوع آینده را ارائه می‌دهد:

۳- **آینده های محتمل: (Probable Futures)** در میان آینده های ممکن و باور پذیر، برخی از آینده ها از امکان وقوع بیشتری برخوردار هستند و بر پایه دانش و درک ما پذیرفتنی هستند. آینده هایی که به احتمال بیشتری تحقق می یابند و حتی ادامه ی روندهای کنونی تلقی می شوند.

۴- **آینده های مرجح (Preferable Futures) یا مطلوب (Desirable Futures):** آینده های سه گانه ی پیش گفته در زمره ی دانش شناختی بودند و هدف از ترسیم آنها، دستیابی به آینده ای اکتشافی بود که هنجار و رفتاری را نیز به همراه ندارد. اما آینده های مطلوب همان آینده هایی هستند که ما بر پایه ی ارزش ها و هدف گذاری ها، خواستار شکل گیری و تحقق آنها هستیم. آینده های مطلوب به علت وابستگی شدید به قضاوت های ارزشی در نگاه افراد تفاوت هایی دارد. این نوع از آینده مولود یک پرسش کلیدی است: "خواستار تحقق چه آینده ای هستیم؟"

انواع آینده‌ها



هدف نخست آینده پژوهی: مطالعه آینده های ممکن

برای کشف آینده‌های ممکن باید وضع موجود را با روش‌هایی جدید و متفاوت بررسی کرد؛ روش‌هایی که آگاهانه از قید و بند تفکر سنتی، رایج و معمول رهایی یافته باشند و از دیدگاهی که برای توده‌ی مردم، غیرعادی و حتی ناخوشایند به نظر می‌رسد، به مسایل بنگرند. در این روش‌ها با تفکری خلاق و جانبی، واقعیت‌هایی دیده می‌شوند که دیگران از مشاهده‌ی آن‌ها ناتوان هستند؛ به این منظور، باید مسایل و مشکلات کنونی را نوعی فرصت برشمرد و غلبه بر موانع و کاستی‌های موجود را امکان‌پذیر دانست. این نوع تفکر نه تنها طرح پرسش درباره وضع موجود را در بر می‌گیرد، بلکه به پرسش‌گری درباره‌ی آنچه می‌تواند وجود داشته باشد نیز می‌پردازد؛ این رویکرد، بیش از هر چیز نیازمند بسط و گسترش حق انتخاب بشر است.

هدف نخست آینده پژوهی: مطالعه آینده های ممکن

روش دیگر برای تفکر درباره برخی آینده های ممکن، آن است که هر یک از این آینده ها را پدیده هایی مستعد برای وقوع به شمار آوریم.

دانشمندان می خواهند بدانند که جهان پیش از این چگونه بوده است، در حال حاضر چگونه است و در آینده چگونه خواهد بود. اما افزون بر این ما می خواهیم بدانیم که جهان چگونه می تواند باشد. می خواهیم قابلیت های ناشناخته اما واقع گرایانه ای را بیابیم که در جهان، نهفته و غیر فعال باقی مانده اند.

تفکر مرسوم، انسان را از تلاش برای کنکاش رویدادهای امکان پذیر نامتعارف در آینده باز می دارد.

هدف نخست آینده پژوهی: مطالعه آینده های ممکن

آلفرد نورث وایت هد: هنگامی که ایده های جدید برای نخستین بار شکل می گیرند، اغلب رگه هایی از حماقت در آنها به چشم می خورد. از این رو، آینده پژوهان هیچ ایده ای را شتابزده و بی درنگ رد نمی کنند.

مک گریدی: مردم در تصورات ذهنی خود محاصره شده اند و نمی توانند از بند آموزش هایی که دیده اند، رهایی یابند. به همین دلیل در اظهارنظرها خود را محدود می کنند. مردم تنها به این دلیل که بسیاری از جنبه های مساله را به شکلی شایسته بررسی نمی کنند، مانع بسیاری از موفقیت های خود می شوند.

مردم از دوره ممکن است گرفتار خطا و اشتباه شوند: نخست ممکن شمردن پدیده های ناممکن و دوم ناممکن شمردن پدیده های ممکن. در اولی درسی برای آموختن وجود دارد؛ اما دومی افزون بر ایجاد محدودیت، مانع فراگیری بیشتر نیز می شود.

هدف نخست آینده پژوهی: مطالعه آینده های ممکن

چند مثال:

- سیمون نیوکام (ستاره شناس مشهور): به هیچ وجه نمی توان مواد، ماشین آلات و نیروهای شناخته شده را در قالب دستگاهی برای پرواز، با یکدیگر تلفیق کرد.
- تا سال ۱۹۰۳ که برادران رایت در عمل، امکان پذیری پرواز به کمک یکی از انواع انرژی را ثابت کردند، دانشمندان برآورد و محاسبه درستی از نیروهای بالابرنده، کشش و رانش نداشتند.
- در میانه های قرن بیستم و در دهه سی میلادی، آروی د آروولی آشکارا بیان کرد که پرواز به فضا را امری ناممکن می داند. در سال ۱۹۵۶ (یعنی یک سال پیش از آن که روس ها نخستین سفینه فضایی سرنشین دار خود را با موفقیت به فضا پرتاب کنند) دکتر وولی در مراسم انتخاب خود به عنوان ستاره شناس سلطنتی، با بی معنا دانستن سفر به فضا، گفته های پیشین خود را تایید کرد.

هدف نخست آینده پژوهی: مطالعه آینده های ممکن

لذا:

یکی از وظایف هر آینده پژوه این است که فارغ از ناشناخته یا نامحتمل بودن پدیده های ممکن در آینده، تمامی آنها را بررسی کند.

آینده پژوهان سعی دارند با ارائه نتایج برآمده از بررسی آینده های ممکن به مخاطبان خود و به طور کلی به عموم مردم، قلمرو انتخاب های فردی و اجتماعی آنها را گسترش دهند.

هدف دوم آینده پژوهی: بررسی آینده های محتمل

یکی از پرسش های متداول: اگر اوضاع به همین منوال ادامه یابد، محتمل ترین آینده برای پدیده ای خاص چه خواهد بود؟

این پرسش آینده پژوهان را به مطالعه ی شرایط موجود فرا می خوانند تا پیش بینی های خود را بر آن ها استوار سازند و از سویی دیگر نیز به بررسی روندها جهت دهی می کنند؛ روندهایی که از گذشته تا حال ادامه یافته اند. هدف از شناسایی و تحلیل روندها، آگاهی یافتن از رویدادهایی است که در گذشته (نه چندان دور) رخ داده اند.

هدف دوم آینده پژوهی: بررسی آینده های محتمل

البته پاسخ این پرسش که محتمل ترین آینده چه خواهد بود، خود پاسخی اقتضایی است. چه بسا تغییر شرایط، احتمال وقوع آینده ای دیگر را افزایش دهد. چه بسا روندهای گذشته تا آینده تداوم نداشته باشند. به این ترتیب مجموعه ای از آینده های محتمل وجود خواهد داشت که بر پایه مفروضات گوناگون درباره پایداری شرایط یا بروز تغییری معین در هر یک از آنها پدید آمده اند.

همین واقعیت سبب شده است که آینده پژوهان پرسش های خود را درباره آینده های محتمل، به گونه ای مشروط مطرح کنند.

هدف دوم آینده پژوهی: بررسی آینده های محتمل

جستجو برای یافتن محتمل ترین آینده، با توجه به مفروضات گوناگون و پرشمار موجود، این پرسش را به دنبال دارد که احتمال درستی کدام فرضیه بیشتر است؟ به این ترتیب برای رسیدن به محتمل ترین آینده، باید به دنبال درست ترین و معتبرترین مفروضات باشیم؛ خواسته ای که با افزایش اطلاعات تحقق می یابد.

البته در این راستا فراموش نشود که آینده پژوهان، اغلب مصرف کننده و ترکیب کننده دانشی هستند که دیگر دانشمندان و محققان گرد آورده اند.

هدف سوم آینده پژوهی: بررسی تصویرهای آینده

شاید مهمترین و بنیادی ترین پرسش های پژوهشی آینده پژوهان این موارد باشند:

تصویرهای آینده چه ماهیتی دارند؟

علل پیدایش آنها چیست؟

هر یک چه پیامدهایی دارند؟

تصویرهای آینده به شکل گیری اقدام های تاریخی افراد کمک کرده اند. به تعبیر روشن تر، افراد یا تلاش می کنند خود را با آنچه گمان می کنند روی خواهد داد، سازگار کنند یا به گونه ای رفتار می کنند که آینده دلخواه خود را بسازند. به همین دلیل آینده پژوهان تصویرهای آینده را یکی از عوامل تاثیرگذار بر رفتارهای کنونی انسان ها می دانند. به علاوه از آنجا که رفتارهای امروز تا حدی در پیدایش آینده تاثیر دارند، آینده پژوهان تصویرهای آینده را همزمان با تبدیل این آینده به زمان حال، در زمره علل شکل گیری آینده قرار می دهند.

هدف سوم آینده پژوهی: بررسی تصویرهای آینده

این مساله سبب شده است که برخی آینده پژوهان از سویی، مطالعات خود را به بررسی چگونگی تاثیرگذاری تصویرهای آینده بر رفتار افراد و از سویی دیگر، چگونگی تاثیرگذاری این رفتارها بر شکل گیری آینده اختصاص دهند.

البته برای این منظور باید مفهوم تصویرهای آینده را تجزیه و تحلیل کرد. برای تجزیه و تحلیل این مفهوم می توان گستره متنوعی از منابع داده ها نظیر ادبیات، نوشته های غیر تخیلی، نظریه های تاریخی رایج، برنامه های پنج یا ده ساله ملی، محتوای قوانین اجتماعی، گفتگو با رهبران یا مردم عادی و مشاهده رفتارها را به خدمت گرفت.

هدف سوم آینده پژوهی: بررسی تصویرهای آینده

البته لازم به ذکر است که هیچ کس مدعی نیست که تصویرها، تنها عامل تعیین کننده آینده هستند و اینکه آینده به طور دقیق مطابق تجسم و تصور ما روی خواهد داد. چه بسا پیامدهای ناخواسته و غیر منتظره ای وجود دارند که از اقدام های خود بشر سرچشمه می گیرند.

با این همه آینده پژوهان بر این باورند که تصویرهای آینده در هدایت رفتار بشر، عامل مهمی به شمار می آیند. این تصویرها با هدایت رفتار بشر- خواه تنها انطباقی باشد، خواه کنترلی- در شکل گیری آینده پیش رو نقش دارند. اقدام هدفمند نیازمند پیش بینی رویدادهای آتی است.

هدف چهارم آینده پژوهی: مطالعه بنیان های معرفتی آینده پژوهی

تمامی حوزه های معرفتی با این پرسش روبه رو هستند که دانش مورد ادعای خود را چگونه به دست آورده اند؟

لذا یکی از اهداف آینده پژوهی این است که برای دانش تولیدی خود و نیز برای پژوهش ها و دیگر فرایندهای فکری منجر به پیدایش آن، بنیان های فلسفی فراهم آورد.

اگرچه آینده پژوهان برای بررسی نظام یافته آینده های بدیل، بخش زیادی از زمان و تلاش خود را به اقتباس یا ابداع ابزارهای روش شناختی اختصاص داده اند، اما مبانی معرفتی آینده پژوهی، برخی از رشدنیافته ترین ابعاد آینده پژوهی به حساب می آید.

آینده پژوهان در تشریح مبانی فلسفی گفته های خود درباره آینده های ممکن، محتمل و مرجح، تلاش چندانی انجام نداده اند.

هدف پنجم آینده پژوهی: بررسی بنیان های اخلاقی آینده پژوهی

بررسی بنیان های اخلاقی آینده پژوهی، نخستین بخش از کارکردهای پنج گانه لاس ول، یعنی تشریح اهداف و ارزش ها را پوشش می دهد و البته از قلمرو آن نیز فراتر می رود.

بررسی بنیان های اخلاقی آینده پژوهی به شکل مستقیم از جستجوی آینده های مرجح به عنوان یکی از اهداف آینده پژوهان سرچشمه می گیرد.

آینده پژوهان برای سنجش میزان مطلوبیت آینده های بدیل، باید اهداف و ارزش های بشری را مطالعه و ارزیابی و از آنها استفاده کنند.

هدف پنجم آینده پژوهی: بررسی بنیان های اخلاقی آینده پژوهی

همچنین آینده پژوهان باید به درک ماهیت جامعه مطلوب و نیز به معیارهای قضاوت و ارزیابی خود توجه ویژه ای داشته باشند.

حتی فراتر از این، چه بسا تصدیق معیارهای ارزشی، آینده پژوهان را وارد سازد که در جستجوی مفاهیم و اهداف زندگی، درباره طبیعت بشر، جهان طبیعی پیرامون او و حتی کل عالم تحقیق و پژوهش کنند.

وندل بل: در اینجا تنها می خواهم با صدای بلند و رسا فریاد بزنم که مطالعه و ترویج عمیق آزادی و رفاه نسل های بعد، از مهمترین اهداف آینده پژوهی است.

هدف ششم آینده پژوهی: تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال

ما از گذشته برای هدایت رفتار کنونی خود و نیز خلق تصویرهای آینده استفاده می کنیم. بنابراین باورهای ما نسبت به گذشته، می توانند در شکل گیری باورهای ما درباره آینده موثر باشند.

این روند در جهت مخالف نیز وجود دارد؛ بدین معنا که باورهای ما درباره آینده به شکل گیری باورهای ما درباره گذشته کمک می کنند. به تعبیر بهتر، تصویرهای گوناگون از آینده، در توصیف یک دوره زمانی ثابت در گذشته و حتی در شرایط اجتماعی و فرهنگی یکسان، به احتمال فراوان، تصویرهای متفاوتی را از گذشته ارائه خواهند داد. البته این روند معکوس کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

تاریخ اغلب داستانی است که ما درباره آنچه می خواهیم باشیم، برای خود نقل می کنیم.

هدف ششم آینده پژوهی: تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال

آینده پژوهان از زمان حال نیز غافل نیستند. هدف آنها از آینده پژوهی، ایجاد تغییر در زمان حال و اقدام های کنونی است. زمان حال ظرفی است که اقدام در آن انجام می پذیرد و به آینده شکل می دهد. لذا آینده پژوهی از یک سو به تفسیر گذشته کمک می کند و از سوی دیگر رهنمودهایی برای هدایت اقدام های کنونی فراهم می آورد.

تعیین موقعیت حال نیز یکی دیگر از اهداف آینده پژوهی است. تحولات سریع اغلب ما را دچار سردرگمی می کنند و اجازه نمی دهند تا آنچه را که در حال یا گذشته نزدیک، پیرامون ما روی داده است، به درستی درک کنیم. اگر از اینکه کجا بوده ایم و به کجا می رویم و می خواهیم در آینده به کدام سو حرکت کنیم، دورنمایی نداشته باشیم، زمان حال هیچ مفهومی نخواهد داشت.

هدف ششم آینده پژوهی: تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال

زمان حال را می توان نقطه بازگشت یا گذر از جایی به جای دیگر یا از زمانی به زمان دیگر در آینده دانست. ما می خواهیم بدانیم چقدر به سوی آینده حرکت کرده ایم؛ اگر پیشرفتی داشته ایم این پیشرفت چه بوده است و اگر دچار افت شده ایم، این افت چه بوده است. ما برای پاسخ به این پرسش ها، باورهای خود را درباره گذشته و حال با انتظارات خود از آینده مقایسه می کنیم.

همچنین آینده پژوهی توان ما را در برقراری نوعی تعادل بین نیازهای کنونی و مطالبات آتی افزایش می دهد.

آینده می تواند بستر تحقق منافع و مزیت هایی باشد که در حال حاضر از آنها محروم هستیم، اما برای تحقق همین آرزوها در آینده، می توان در زمان حال گام های موثری برداشت.

هدف ششم آینده پژوهی: تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال

بنابراین:

تفسیر گذشته؛

درک حال؛

تصمیم گیری و اقدام در زمان حال؛

برقراری در تعادل در به کارگیری منابع حال و آینده،

از یک سو نیازمند آینده اندیشی و از سوی دیگر به آن منجر می شوند.

هدف هفتم آینده پژوهی: تلفیق دانش و ارزش ها برای طراحی اقدام اجتماعی

طراحی اقدام اجتماعی، یکی از کارکردهای پنج گانه لاس ول، یعنی ابداع، ارزیابی و انتخاب گزینه های سیاستی را پوشش می دهد.

آینده پژوهان برای طراحی حرکت اجتماعی، باید بر حجم انبوهی از دانش پراکنده متمرکز شوند و آن را سازمان دهی کنند. آنها باید با نگاهی نقادانه، به بررسی ارتباط بسیاری از ارزش های کاملا متفاوت بپردازند.

از آنجایی که طراحی اقدام اجتماعی، اغلب به گستره وسیعی از حوزه های تخصصی گوناگون نیاز دارد، آینده پژوهان برای اتخاذ تصمیم های سیاستی به دانش کارشناسان دیگر حوزه ها نیاز دارند.

مثال: تصمیم گیری درباره دفن کردن یا نکردن پسماندهای هسته ای، نیازمند متخصصانی از رشته های فیزیک، مهندسی معدن، مهندسی پسماندهای پرخطر، مهندسی عمران، ریاضیات، آب شناسی، زمین شناسی، مهندسی هسته ای، مهندسی سامانه ایمنی، جغرافیا، اقتصاد، جامعه شناسی، علوم سیاسی، روتن شناسی، مردم شناسی، زبان شناسی، اختر شناسی، تاریخ، حقوق، کتاب داری بسیاری از رشته های دیگر در مراحل مختلف فرایند سیاستگذاری است.

هدف هفتم آینده پژوهی: تلفیق دانش و ارزش ها برای طراحی اقدام اجتماعی

آینده پژوه در طراحی اقدام اجتماعی، خود را از حالت ناظری واکنش زده به شرکت کننده ای کنش گر در فرایندهای سیاستی تبدیل می کند تا از یک سو، ترکیب کننده دانش باشد و از سوی دیگر به تدوین سیاست پردازد. به این ترتیب هر آینده پژوه، معماری اجتماعی خواهد بود.

آینده پژوه برای یافتن پاسخ پرسش هایی از قبیل آنچه می آید، در مقام طراح نظام های اجتماعی ایفای نقش خواهد کرد:

برای تسریع، تعویق یا اساسا پیشگیری از روندی خاص، چه اقداماتی را باید صورت داد؟

چه باید کرد تا وضعیت باثبات و پایدار موجود به وضعیتی بهتر تغییر یابد؟

چگونه می توان تصویرهای مطلوب از آینده را به واقعیت مبدل ساخت و از تحقق تصویرهای نامطلوب جلوگیری کرد؟

هدف هفتم آینده پژوهی: تلفیق دانش و ارزش ها برای طراحی اقدام اجتماعی

آینده پژوهان گاه کار خود را با تصویری خوشایند از آینده فرد، مکان، سازمان یا پدیده ای خاص آغاز می کنند و سپس (از آینده تصور شده) به عقب باز می گردند تا اقدام های لازم برای تحقق آن را مشخص نمایند.

باید به یاد داشته باشیم که: ایده ها و حتی تصویرهای آینده، به خودی خود نمی توانند در جهان تغییری پدید آورند. اثربخشی آنها، نیازمند وجود افرادی است که هم به عملی کردن این ایده ها علاقمند باشند و هم توان لازم برای این کار را داشته باشند.

هدف هشتم آینده پژوهی: افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن

بیشتر آینده پژوهان، افزایش مشارکت مردمی در فرایندهای تصویرسازی از آینده و طراحی آن را یکی از اهداف آینده پژوهی می دانند. برخی نیز- مانند آینده پژوهانی که تنها برای مشتریانی خاص کار می کنند- به این هدف توجه اندکی نشان می دهند.

آینده پژوهان عموماً می کوشند تا مشارکت مردم را در تصویر سازی و طراحی آینده افزایش دهند. این شیوه مردم سالاری گرچه گاه از روند آهسته و ناامید کننده ای رنج می برد و حتی می تواند به بروز اختلاف نظر و مشاجره های فلج کننده در میان مردم نیز بینجامد؛ اما به استناد شواهد فراوان، بیش از خودکامگی در بهبود شرایط انسان ها موثر خواهد بود.

هدف نهم آینده پژوهی: ترویج تصویری ویژه درباره آینده و حمایت از آن

برخی آینده پژوهان هدف خود را چشم اندازهایی فراگیر می دانند که از مولفه های متعالی نیز برخوردار باشند. تصویرهای خلاقانه و اندیشمندانه از جامعه ای متفاوت و بدون کاستی تناقض های موجود کنونی و آینده هایی گسسته که پیدایش جهانی تازه و متفاوت را پیش بینی می کنند، می توانند در قالب چنین چشم اندازهایی مطرح شوند. این گروه از آینده پژوهان می خواهند کاستی های کنونی، تنگناهای امروزی درک بشری و نیز محدودیت های تجارب پیشین را درنوردند و از آنها فراتر روند.

این در حالی است که سهم درخور توجهی از آینده پژوهان، تلاش خود را در راه یافتن پاسخ برای پرسش های سطحی به کار می گیرند؛ مانند: چگونه بیمارستان... روش های خود را برای ارائه خدمات بهداشتی در سال آینده تغییر دهد؟ کشور... برای افزایش تولید ناخالص ملی خود در سال آینده باید در بخش کشاورزی سرمایه گذاری کند یا برای آموزش؟

هدف نهم آینده پژوهی: ترویج تصویری ویژه درباره آینده و حمایت از آن

آینده پژوهان در ایفای سه نقش مشارکت دارند:

- ترویج تصویرهای ویژه از آینده
- ارزیابی آنها در قالب تصویرهای مطلوب و نامطلوب
- حمایت کمابیش آشکار از برخی اقدام های اجتماعی در جهت تحقق تصویرهای مطلوب یا پیشگیری از تحقق تصویرهای نامطلوب.

منرما: اگر تلاش آینده پژوهانه در پیشرفت جامعه تاثیر مستقیم یا غیر مستقیمی نداشته باشد، کاملا بیهوده است و به طور اساسی نمی توان آن را آینده پژوهی نامید. آینده پژوهان می خواهند به دانش و ارزش ها، جامعه عمل بپوشانند و از این راه در بهبود وضعیت بشر موثر باشند. به همین دلیل پیشنهاد اقدام های عملی، بخشی از کار آینده پژوهان در مقام یک آینده پژوه است.

هدف نهم آینده پژوهی: ترویج تصویری ویژه درباره آینده و حمایت از آن

اما در نهایت، پیشنهاد اقدام های عملی، خود مسئولیت هایی را نیز برای آینده پژوهان به همراه دارد. بنابراین بررسی اهداف و ارزش ها از ضرورت های آینده پژوهی است. آینده پژوهان باید تصریح کنند که هر یک از پیشنهادهای عملی آنها در خدمت به کدام ارزش ها قرار دارند و احتمالا با کدام ارزش ها سازگار نیستند.

آیا آینده پژوهی به فاشیسم منجر می شود؟

- برنامه ریزی یک عده برای عده‌ای دیگر، حریم آزادی افراد را زیر پا می گذارد!
- زندگی اجتماعی و هماهنگی کار گروهی، ناگزیر از محدودیت آزادی است.
- بازدهی کار گروهی بیشتر از کار فردی است.

نتیجه ضمنی: گزینه بهتری نداریم!

کنث ام و پاتریشیا دالبیر:

- ◀ برنامه ریزی ملی که لیبرال‌های اصلاح طلب، سوسیال دموکرات‌ها و محافظه کاران آن را تأیید می کردند، به ظهور فاشیسم در ایالات متحده می انجامد
- ◀ آینده پژوهی یک ایدئولوژی افراطی است که به بهترین شکل ممکن در خدمت آرمان فاشیسم قرار دارد
- ◀ آینده پژوهی ابزاری در خدمت روشنفکران تصمیم گیر کنونی و وسیله ای برای افزایش سلطه آنها بر جوامع است
- ◀ آینده پژوهی به تمرکز گسترده در تصمیم گیری و کنترل تمامیت خواهانه مشروعیت می بخشد و ناگزیر، در راستای حمایت از مصالح واحدهای بزرگ اقتصاد سرمایه داری حاکم بر جهان، گام بر می دارد

آیا آینده پژوهی به فاشیسم منجر می شود؟

- تا امروز بخش عمده پژوهش‌های این حوزه، برای ارائه خدمات به مشتریان خاص و به طور طبیعی در راستای منافع آنها به انجام رسیده‌اند.
- بین سرمایه‌ی مشتری و حجم کار آینده‌پژوهانه همبستگی وجود دارد.
- بنابراین اگر آینده پژوهی را ابزاری برای کنترل آینده بدانیم، آنگاه این پرسش مطرح می شود که آینده پژوهان در راستای مصالح چه کسانی گام بر می دارند؟ چه افرادی و با چه هدفی، آینده پژوهی و آینده پژوهان را کنترل می کنند؟

آیا آینده پژوهی به فاشیسم منجر می شود؟

◀ گالتونگ و جانک:

- ◀ برتری برخی کشورها در منابع و ظرفیت‌های آینده‌پژوهی، مشکل مشابهی را در سطح بین‌المللی نیز پدید آورده است. این برتری، تفاوت قدرت را به دنبال می‌آورد؛ زیرا هر کس از آینده شناخت داشته باشد، می‌تواند کمابیش زمان حال را نیز تحت کنترل خود قرار دهد.
- ◀ پیشنهاد: آینده‌پژوهی در کوتاه‌ترین زمان ممکن در سطح بین‌المللی مطرح شود. باید آینده پژوهی را مردمی کرد؛ به عبارتی باید ابزارهای عقلانی آینده پژوهی را به طور یکسان در اختیار همه قرار داد.
- ◀ آینده به همه ما تعلق دارد؛ نه تنها به گروه‌های کوچک سلطه طلب و مصالح آنها. نباید درخت آینده پژوهی را قطع کنیم؛ بلکه باید در میوه‌های آن با یکدیگر سهیم باشیم.

آیا آینده پژوهی به فاشیسم منجر می شود؟

◀ آینده پژوهی، برنامه ریزی، تحلیل سیاستی و دیگر حوزه های مرتبط با آن، هیچ گاه لزوماً افزایش استبداد و خودکامگی را به دنبال نخواهد داشت. بروز چنین پیامدهایی به این بستگی دارد که چگونه اجرا می شوند و در خدمت ارزش های چه کسانی قرار می گیرند.

◀ به این منظور باید افرادی را در قالب سلسله مراتب و نفوذ سازماندهی کرد که در حقیقت، همان ماهیت جامعه و زندگی اجتماعی سازمان یافته است.

آیا آینده پژوهی به فاشیسم منجر می شود؟

◀ افزایش مشارکت مردمی، بخشی از برنامه آینده پژوهان است. اما وظیفه اطمینان یافتن از اینکه حکومت ها و جوامع به گونه ای مردم سالارانه سازماندهی و هدایت شوند، بر عهده آینده پژوهان نیست؛ چرا که این وظیفه از قلمرو توانایی های آینده پژوهی یا هر شکل دیگری از دانش یا ابزارهای زمامداری خارج است. اطمینان از حفظ و رعایت آزادی های عمومی، وظیفه هر فردی است که آنها را ارزشمند می داند.

◀ لاس ول: تمام کسانی که مردم سالاری را ارزشمند می دانند، باید در حد توان خود، تلاش کنند تا اطمینان یابند که چنین استفاده های نادرستی روی نخواهند داد و تمامی افراد برای مشارکت در تصمیم گیری هایی که به آینده آنها شکل می دهند، از فرصت یکسانی برخوردار هستند.



پایان